



افسانه شفیعی

دیباچه کتاب «تاروپود هنوز…» اثر علی‌اکبر صارمی پیش‌رویم است و می‌خوانیم «معمولا حذف‌کردن و فشرده‌کردن به‌مراتب مشکل‌تر از انباشتن و پُرکردن اوراق است. وقتی درصد حذف برای جمله‌ها به تکایو می‌افتند و گریزانت را می‌گیرند که به من دست نزن، حیف است، جمله‌ات ناقص می‌شود، مطلب گنگ می‌شود و نویسنده مبهوت و سرگردان میان انتخاب‌ها». شیوه معماری علی‌اکبر صارمی مصداق همین کلام است؛ حذف به‌جای انباشتن. عناصر بصری ساده و به‌دقت فکرشده. در نهایت انتزاع و در نهایت قدرت. گویی گلستان سعدی و شمیم خوش آن الهام‌بخش وی بوده است که در دیباچه کتابش به حیرت می‌نویسد «به‌راستی سعدی چگونه توانسته آن همه دانش و تجربه را در چنین متن پُر طراوت و هنرمندانه‌ای بشفرد و جای دهد؟» صارمی خود در حد توان، کوشش کرده است به‌جای ساختن، سازد تا ماندگاری آثارش را در عناصری آرام تضمین کند.

۱۰ **تعریف شما از مدرنیته چیست و به‌نظران در ایران تا چه حد عملی شد؟**

در زمینه هنرها و معماری، به نظر من، حتی در اروپای غربی تا قرن بیستم تأثیر مدرنیته هنوز برقرار نشده بود؛ با اینکه قرن ۱۹ دوران شکوفایی مدرنیته است، ولی هنوز هنرها وابسته به گذشته هستند و اوج نئوکلاسیسم معماری در قرن نوزدهم شکل گرفته است، البته در زمینه فلسفه، نیچه همه این ساختارها را به‌هم می‌زند، ولی در نقاشی می‌بینید امپرسیونیست‌ها هنوز تاریخ را به‌نجوی لحاظ می‌کنند. نقاشی از آتلیه بیرون می‌آید و شما در آثار ون‌گوگ، دگا، مونه و مانه می‌بینید که چطور آفتاب سایه می‌اندازد. در ابتدای قرن بیستم است‌که مدرنیسم شکل می‌گیرد؛ یعنی تأثیرات تفکر فلسفی مدرن در هنرها دیده می‌شود، به‌ویژه در آثار پیکاسو، ماتیس، براک و کاندینسکی که دیگر به تاریخ کاری ندارند و خود نقاشی مطرح است نه موضوع نقاشی.

۱۱ **الته تاریخ کهن‌تری در آثار نمود پیدا می‌کند…**

گذشته غیرتاریخی اقوام آفریقایی در صورت‌ک‌های پیکاسو و آثار دیگران می‌آید، اما گذشته به‌عنوان اثره استفاده می‌شود و از درون آن مدرسه معماری باوهاوس باز می‌شود که کلا درس تاریخ را کنار می‌گذارد. همه آنها نگرش چپ داشتند و می‌گفتند هنر قرن نوزده، هنوز بورژوایی منحنی است و باید کنارش بگذاریم. انقلاب روسیه هم این موضوع را تشدید کرد. بعد از جنگ بود که مدرنیسم شکوفا شد و گرترو استاین در گالری‌اش کارهای مدرن را جمع کرد و همین‌گویی و دیگران از آن حمایت کردند. در فیلم «نیمه‌شب در پاریس» وودی آلن، همه این مسائل آورده شده است، در ایران زمان ناصرالدین شاه، کسانی که به اروپا رفتند، با جریان مدرن آشنا شدند، حتی کمال‌الملک کارهای رافائل و میکلائزر را در موزه‌های پاریس نگاه کرد. چون آن زمان در خود اروپا نیز مدرنیسم، جریان روشنفکری بود و خیلی‌ها از آن خبر نداشتند. بنابراین ایران با هنرِ نئوکلاسیک اروپا آشنا شد و کارت‌پستال‌ها و عکس‌هایی از این دوران آوردند و در ایران ساخته شد. شما تأثیرات آن را در پلان‌های قاجار می‌توانید ببینید. در هنرهای دیگر هم تأثیراتش را می‌بینید. مثلا گل‌بوته در قالی تبریز موثفب اروپایی است. این جریان روی نحوه زندگی و ارگانی‌زیشن خانه‌های درباری هم اثر گذاشت. فرنیچر از اروپا آمد و از آن به بعد بود که ما اتاق پذیرایی یا اتاق خواب داشتیم. الان کاخ گلستان اتاق ناهارخوری و میزهای بزرگ دارد. قطعاتی بزرگ مثل پیانو و تختخواب، فانکشن درون خانه‌ها را تغییر داد که اینها در خاطرات معبرالممالک هست، حتی لباس‌ها هم عوض شد. در همین ساختمان خوابگاه، که الان خرابش کرد و جایش وزارت دارایی است، لباس‌هایی که بالرین‌ها می‌پوشیدند، دوخته می‌شد و می‌رفت به خانه‌های روستایی کرد و سیستانی و بلوچ که با نام شلیطه معروف شد. تاج‌السلطنه دقیقا می‌گوید که درون خانه‌های اعیان قاجار چگونه بوده است.

۱۲ **در دوران پهلوی اول، میل به‌سمت مدرنیته شدت گرفت و معماران غربی راه به ایران باز کردند. این موضوع چه تأثیری در رشد مدرنیته در ایران داشت؟**

وقتی از مدرنیته صحبت می‌کنم، بخش هنری آن را در نظر دارم نه بخش سیاسی آن را. گروپیوس، به‌عنوان معماری وینی، بیانیه‌ای صادر می‌کند و می‌گوید «تئزین خیانت است». برای اینکه معتقد است تئزین متعلق به دوران خاصی از فرهنگ اجتماعی اروپا است. او به بحث داروین ارجاع می‌دهد که هر موجود زنده‌ای خودش را با محیطش تطبیق می‌دهد و هنر نیز باید همین‌گونه باشد. لوکوربوزیه همین را می‌گیرد و خانه به‌مثابه ماشین را مطرح می‌کند. عملکرد ماشین مشخص است و در ضمن زیبایی نیز دارد. همه مسحور ماشین شده بودند. آرمان سوسیالیسم و مارکسیسم، جامعه بی طبقه مانیشتی است. نمی‌دانستند که بعدا همین نگرش چه بلایی بر سرشان می‌آورد.

۱۳ **اوج معماری ماشینی را می‌توان در برج‌های کپسولی ژاپن سراغ گرفت که هنوز هم سرا پا هستند.**

دقیقا. مسئله عملکردگرایی از همین موضوع درآمد. می‌گفتند لوکوموتیو بی‌هیچ تزئینی زیبایی ماشین را دارد. لوکوربوزیه بعدا می‌گوید «خانه ماشینی است برای زندگی». تفکر چپ ضد بورژوازی، با تفکر مانیشتیسم جمع شد و معماری را به‌سمتی برد که تئزین‌زدایی را سبب شد و در تعقیب آن هندسه و تقارن هم کنار رفت و پلان آزاد آورد و معماری لختی پدید آمد که دیگر متعلق به هیچ سبک، دوره یا فرهنگی نبود و در همه‌جا می‌شد، استفاده کرد؛ یک قوطی مکعب که معماری اولیه همه ساختمان‌هاست. هنوز هم ادامه دارد، البته بعد از جنگ جهانی دوم بود که عملا این نوع ساختمان‌ها ساخته و از آنها استقبال شد. قبل از آن کارفرمایی نبود که سفارش بدهد و معماران نمی‌توانستند بدون کارفرما چیزی بسازند. برعکس نقاشی که کشیده می‌شد، حالا یا کسی می‌خرد یا نمی‌خرد. بعد از جنگ به‌خاطر تخریب‌های زیادی که صورت گرفت، سفارش زیادتر شد و در ضمن معماری بدون تزئین بسیار ارزان‌تر تمام می‌شد. نمی‌توانستند استادبناهای قدیمی را بیاورند و ستون و سرستون بزنند. یک تیرآهن بود و چهار تا دیوار. آلمان را این‌گونه ساختند.

۱۴ **گفته می‌شود مدرنیزاسیون در ایران بدون ایجاد زمینه‌های فکری آمد و برای همین موفق نشد. نظر شما چیست؟**

خوب بحث است که اینها تقدم و تاخر دارد. برخی می‌گویند ما باید از نظر فکری و فلسفی و سیاسی مدرن باشیم و بعد تکنیکال آن بیاید، اما مثلا در آسیای جنوب شرقی و چین هم همین اتفاق افتاد. مدرنیزاسیون



گفت‌وگو با علی‌اکبر صارمی

سرمایه، آشفته‌گی می‌آورد

هست، اما خبری از مدرنیته نیست. اصلا اعتقادی به آزادی‌های فردی ندارند و پیشرفت هم کرده‌اند. در ایران هم حکومت دیکتاتوری بود، اما درعین‌حال سازندگی هم بود و ناچار بودند معمارانی را از خارج بیاورند. کارخانه‌های اصفهان، جیت‌سازی، گونی و سیمان و قطار راه‌آهن را معماران بسیار توانمند و ارزشمندی ساختند. همین‌طور در صنایع مستطرفه و میراث فرهنگی که برای آن از معمارانی چون آندره گدار استفاده کردند. طراحی دانشگاه تهران، موزه آثار ملی و توپخانه نیز چنین بود. برای ساختمان موزه ملی، ورودی طاق‌کسری را گذاشتند. از ایرانی‌هایی که آن زمان طراحی مدرن می‌کردند، وارطان هوانسیان، پل آگار، لئون تادوسیان و مهندس فروغی بودند. اینها کمابیش، البته سعی می‌کردند یک جوری به گذشته وصل شوند.

۱۵ **دلبش حال‌وهوای ناسیونالیستی آن دوران بود؟**

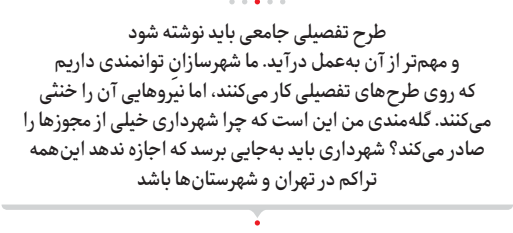
این موضوع هنوز هم در معماری ما هست که با گذشته چه کنیم؟ اروپاییان این مشکل را نداشتند برای اینکه گذشته را به‌دلیل همان بلاهای جنگ اول و دوم به کلی کنار گذاشته بودند و نمی‌خواستند نبش قبر کنند، اما در ایران گذشته هنوز اهمیت خودش را داشت.

۱۶ **پس مفهوم مدرنیته به‌معنایی که در اروپا شکل گرفته بود و تاریخ را پس می‌زد، توانست در ایران عملا اتفاق بیفتد…**

برای اینکه در ایران روشنفکرانه نبود. سوادش را نداشتیم. والتر گروپیوس، رئیس مدرسه باوهاوس، آدم فرهیخته و باسوادی بود و گرایش چپی داشت. یکی از آوانگاردترین مدرسه معماری دنیا، اما در سال ۱۹۲۹ توسط نازی‌ها بسته شد.

۱۷ **گویا در ایران هم چند ساختمان با معماری فاشیستی ساخته شد. معماری آن دوران یک‌دست نبوده است. به‌طور کلی در ایران پهلوی اول چند نوع معماری وجود داشت؟**

شامل معماری ایران نمی‌شود. معماری فاشیستی، آن‌طور که نام‌گذاری شده است، بعد از سقوط هیتلر به کلی از بین رفت، ولی در ایتالیا باقی ماند؛ معماری‌ای بود که اتفاقا در آن خیلی به گذشته نگاه می‌کردند و معتقد بودند هنر مدرن، هنر بورژوایی منحنی است. جالب است دیکتاتورهای



اروپایی اصلا به هنر مدرن اعتقادی نداشتند. روسیه تا ۱۹۳۰، یکی از مراکز مهم هنر مدرن بود. کارهای مالویچ و میرهولد در دنیا اثر گذاشته بود و فوتوریست‌های روسی توانسته بودند اروپا را تحت‌تأثیر قرار دهند، اما استالین همه آنها را به‌عنوان هنر منحنی کنار گذاشت و برگشت به هنر روسی محلی، مخصوصا گرچی که خودش هم اهل آنجا بود. هیتلر هم هنر ملی آریایی را احیا می‌کرد، اما در ایران دوره پهلوی اول، چند نوع معماری هم‌سو باهم پیش می‌رفت؛ یکی معماری پیشامدرن بود، نه معماری اینترنشنال استایل، یعنی سبک جهانی. از سبک جهانی یا آنچه به‌عنوان معماری مدرن تلقی می‌کنیم، بعد از تأسیس دانشگاه هنرهای زیبای تهران و آن هم دور دومش استقبال شد. دیگری سبک بی‌تزئین بود؛ مثل کارهای وارطان هوانسیان که درعین‌حال تقارن هم در آن دیده می‌شد؛ یعنی معماری هنوز به زمین چسبیده بود. هوانسیان برای گوشه خیابان یک‌جور ساختمان طراحی می‌کرد و برای وسط خیابان نوع دیگری. نئوکلاسیک ایرانی هم سبک دیگری بود که بازگشت می‌کرد به معماری خامنشی.

۱۸ **نئوکلاسیک ایران بعد از انقلاب، انگ گرایش‌های ناسیونالیستی خورد و موضوع نقد شد. دلیل آن چه بود؟**

رضاشاه فرد بی‌سوادی بود، اما اطرافیان او، آدم‌های باسوادی بودند. حالا این ماجرا را ضد اسلامی می‌کنند. نگرش معماران بازگشت به معماری کلاسیک بود که معماری اسلامی هم جای خودش را داشت. اصراری برای کارزدن آن نبود. در زمان رضاشاه خیلی از مرمت‌ها شروع شد. میدان نقش جهان، زمان رضا شاه مرمت شد. مسجد شاه ریخته بود. مسجد شیخ لطف‌الله، تقریبا از بین رفته بود. درعین‌حال، تخت جمشید را هم از خاک بیرون آوردند. معماری نئوکلاسیک ایرانی هم بود و نمونه‌هایش بانک ملی در خیابان فردوسی و دبیرستان انوشیروان داگر است که از سرستون‌های تخت جمشید استفاده کرده‌اند.

۱۹ **سیستم آموزشی بوزار فرانسه در دانشکده معماری ایران چه نقشی بازی کرد؟**

درسال ۱۳۱۲، دانشگاه تهران ساخته شد. در شهریور ۱۳۲۰، رشته معماری آمد و سیستم آموزشی دانشکده هنرهای زیبای تهران، سیستم فرانسوی دانشکده هنرهای زیبای پاریس بود. در آن دوران تقریبا در بسیاری از دانشکده‌های دنیا سیستم فرانسوی بوزار قوی‌تر از سیستم انگلیسی بود. انگلیس در هند پایگاه داشت. در روسیه، سوریه، عراق و ایران، زبان دوم فرانسه بود. سیستم دانشکده ما هم بوزار فرانسه شد، ولی روش معماری کم‌کم عوض شد و به‌سمت مدرنیسم رفت. اولین دانشجویان دانشکده مهندس سیحون، صانعی و ظفر بودند، اما در دهه ۴۰ که من دانشجو شدم

معماری



علی‌رضا امتیاز در دوره ریاست‌جمهوری

دیگر پلان‌ها آزاد شده بود و تاریخ را کنار گذاشته بودند و معماری رفته بود به‌سمت سبک اینترنشنال استایل و اصول معماری مدرن تدریس می‌شد، چون اساتید ما از قلب مدرنیته، پاریس، آمده بودند. مثل مهندس سیحون، ریاحی، فروغی و آندرف. ما هم با این سیستم تعلیم دیدیم.

۲۰ **چرا معماری مدرن ایران توانست هم‌سو با تحولات جهانی دگرگون شود و تا چه اندازه قبول دارید که به شکست منجر شده باشد؟**

کلمه شکست را نمی‌توانیم برای این موضوع به‌کار ببریم، چون به عقیده من آن چنان قوی نبود که حالا شکست خورده باشد. هنر علم نیست که دائم روبه‌بالا صعود کند؛ جریانی است که بالا و پایین دارد. انقلاب و جنگ شد و کاری نمی‌شد کرد.

۲۱ **بعد از جنگ و در سال‌های ۶۹-۷۰، چه فضایی بر دانشگاه حاکم بود و اگر بخواهید آن را با پیش از آن مقایسه کنید، به چه نکاتی اشاره می‌کنید؟**

اتفاقی که افتاد اصلاح برنامه‌های دانشگاه بود. گروهی با عنوان ستاد انقلاب فرهنگی شکل گرفت که هنوز هم هست. من هم یک دوره‌ای در آن شرکت می‌کردم و دیگر نفرتم. اینها برنامه آموزشی دانشگاه را عوض کردند و گفتند باید به‌سمت ایرانی و اسلامی‌شدن پیش رود. متأسفانه یکی از تغییرات‌شان این بود که پروژه‌های معماری را کم کردند. در دهه چهل ما در هر سال تحصیلی، هشت اسکیس، شش پروژه و چهار طراحی انجام می‌دادیم. بعد از انقلاب شد هشت پروژه در کل چهار سال. از همان زمان معتقد بودم یک مهندس با هشت پروژه مهندس نمی‌شود. برای اینکه حداقل پنجاه پروژه هست که دانشجو باید یاد بگیرد. نمی‌توانیم بیاییم بیرون و بعدا یاد بگیریم. درس تئوری و درس‌هایی که خیلی هم به معماری ربطی نداشت، جای پروژه‌ها را گرفت. هر کاری هم می‌کنیم که این دو تا در سال را بکنیم چهار تا نمی‌شود. وقتی دانشجو بیرون می‌آید، تازه باید برود در دفاتر معماری و آنجا تمرین کند. مگر چند دفتر معماری هست و چند نفر را می‌توانیم آموزش بدهیم؟ مسئله دیگر دانشگاه آزاد است که در ابتدا حرکت مثبتی بود، اما آن‌قدر زیاد شد که الان اوور دانشجو داریم. بیش از ۴۰۰ رشته معماری هست و هر کدام بیش از صد دانشجو در سال می‌گیرند، به‌این‌ترتیب سالی سی، چهل هزار دانشجو، مهندس می‌شوند. اینها کم‌سوادند چون استاد کافی نداریم. خیلی‌ها هم که در شهرستان خودشان نمی‌مانند. جدیدا هم دانشگاه آزاد، بدون کنکور و فقط پولی شده است. خب دانشگاه آزاد بنگاه اقتصادی یک کسب و باید بچرخد. حالا مهندس‌ها چندتایی می‌شوند، دفتری می‌زنند و طبیعی است برای کارکردن نیازمند کارفرما می‌شوند و هر کاری سفارش بشود، می‌سازند؛ یک ارتباط ناسالمی بین کارفرما و گروه طراحان به‌وجود می‌آید و درنهایت سرمایه‌دار تعیین‌کننده است.

۲۲ **تفاوتی که در زمان سازندگی با دوران‌های دیگر می‌بینید، چیست؟**
در زمان سازندگی کارهایی انجام شد که عموما دولتی بود. کیفیت هم در ابتدا بد نبود. شرکت‌های تعاونی هم آمدند و مردم با خرید سهام، سرمایه‌ای می‌گذاشتند تا مجموعه‌ای در مرکز شهر ساخته شود. در دوران خاتمی یک مقدار کارها متوقف شد. دوران هشت‌ساله احمدی‌نژاد سازندگی به بیراهه رفت. سرمایه نفتی هنگفتی که به کشور سرازیر می‌شد، صرف ساختمان‌سازی شد، چون راحت‌تر این راه رسیدن به سرمایه بود. به‌جای اینکه میلیاردها تومان هزینه برای ساخت یک کارخانه تولیدی کرد و درگیر مشکلات کارگر و بیمه شوید و دست آخر کارخانه را از شما بگیرند، ساختمان مسکونی و تجاری می‌سازید. کسی هم کاری به شما ندارد و درنهایت هم به ورته می‌رسد. دست راست و چپ منطقه ۲۲ تهران پر شده است از این ساختمان‌ها که در واقع سرمایه درگردشی بوده که راکد شده است. زندگی در آنجا فاجعه‌بار است. همه آنچه بعد از انقلاب می‌گفتند، که معماری باید مردمی و انسانی باشد و حجاب داشته باشد، وارونه شده است. الان ساختمان آن‌قدر بلند است که از طبقه ۱۵ می‌توان، حتی زیرزمین خانه روبه‌رویی را دید.

۲۳ **چه میزان مسائل اقتصادی را در ایجاد این آشفته‌گی مهم می‌دانید؟**
تصمیم‌گیرندگان نه معماران هستند و نه شهرسازان. طرح جامع تفصیلی که در سال ۱۳۴۶، با همکاری مهندس فرامانفرماییان و ویکتور گرونز نوشته شد، ایراداتی داشت، ولی بالاخره یک طرح و برنامه‌ای بود که توضیح می‌داد شهر تهران چگونه باید گسترش پیدا کند. متأسفانه بعد از انقلاب نیروهای اقتصادی آن‌قدر قوی شدند که طرح تفصیلی به‌هم ریخت. بیشتر سرمایه است که آشفته‌گی را به‌وجود آورده. کارفرما خیلی وقت‌ها وابسته به قدرت است و می‌رود تراکم می‌خرد. اینکه در کوچه هشت‌متری، برج ۲۵ طبقه می‌سازند یک واقعیت است. ما معماران وابسته به کارفرما می‌باشیم و اگر زورمان برسد یک مقداری اثر می‌گذاریم، اگر نه، کارفرما دنبال کس دیگری می‌رود. شاید کم‌کاری ما هم باشد، اما کس‌سری برج‌سازانی که میدان آمده‌اند از پیمانکاران، مهندسان مشاور و کارفرما و راه‌هایی بلندند که براساس کمسیون ماده پنج قانون درج‌هایی برج می‌سازند که نباید ساخته شود. نزدیک خانه من، نیش کوچه بیستم، تنها کوچ‌ای که خیابان پارک و وزرا را به خیابان ولی‌عصر وصل می‌کند، دو برج ۲۵ طبقه در حال ساخت است. اگر این برج‌ها ساخته شود کل خیابان وزرا بند می‌آید. در آینده هم برای ساختمان‌های دیگری می‌توانند برون و مجور بگیرند و اگر اوضاع اقتصادی بهتر شود، کل وزرا می‌شود برج‌های بلندمرتبه و آن منطقه بند می‌آید. آن معمار طراح هم خیلی آدمی نیست که به فکر مردم عادی باشد.

۲۴ **به‌عنوان معمار چه راهکاری برای فرازی از این مشکلات پیشنهاد می‌دهید؟**

طرح تفصیلی جامعی باید نوشته شود و مهم‌تر از آن به‌عمل درآید. ما شهرسازان توانمندی داریم که روی طرح‌های تفصیلی کار می‌کنند، اما نیروهایی آن را خنثی می‌کنند. گله‌مندی من این است که چرا شهرداری خیلی از مجوزها را صادر می‌کند؟ شهرداری باید به‌جایی برسد که اجازه ندهد این‌همه تراکم در تهران و شهرستان‌ها باشد. می‌گویند این مجوزها براساس طرح کمسیون ماده پنج است، اما خیلی‌وقت‌ها آت‌هایی که این قانون‌ها را می‌سازند، نظرات‌شان درست نیست. سمت الهیه و فرماتیه آن‌قدر ساخت‌وساز شده است که نه‌تنها با ماشین، بلکه پیاده هم نمی‌شود. آنجا رفت. این ترافیک و جمعیت و آلودگی هوا، مربوط‌به ساخت‌وساز‌های بی‌رویه‌ای است که در تهران و شهرستان‌ها انجام شده است. به‌نظر من شهرداری‌ها بزرگ‌ترین قدرت‌هایی هستند که باید قانونمند باشند و در طرح‌های تفصیلی این‌قدر دست نبرند. اگر شهرداری‌ها قانونمند شوند، شاید بتوان کمی از این بلبشو جلوگیری کرد.

ادامه در صفحه ۱۱

بی‌ینال ونیز



علیرضا امتیاز

در روز پنجم خرداد سال ۱۳۸۷ هجری شمسی، برای نخستین‌بار یک گروه اکتشاف نفت، در شهرستان مسجد سلیمان استان خوزستان در پی ماه‌ها حفر چاه به نفت رسید و در همان سال نخستین‌بی‌ینال هنر ونیز برگزار شد. از هر دو آنها اکنون ۱۰۰۸ سال می‌گذرد. ایران اقتصاد خود را با نفت گره زد و ونیز با هنر و بازدیدکنندگان از هنر. در سال گذشته کل درآمد نفت ایران ۲۲ میلیارد یورو برآورد می‌شد و درآمد هنر و بازدیدکنندگان از آن در ایتالیا به ۳۶ میلیاردیورو رسید. چاه‌های نفت ایران هرساله کم‌فروتر می‌شود و اقتصاد هنر هرساله شکوفاتر.

گرچه بی‌ینال ونیز به‌عنوان نخستین دوسالانه هنر جهان بر اقتصاد ونیز تأثیری عمیق گذاشته است اما، آنچه آن را قابل‌تامل و متمایز می‌کند، بی‌ینال هنر ونیز در موعد مقرر خود برگزار می‌شد. تاکنون هیچ عامل بیرونی‌ای توانسته برگزاری بی‌ینال ونیز را مختل کند یا آن را به تعویق بیندازد. حضور دو عنصر ضامن امتداد برای‌بی‌ینال ونیز است. نخست آنکه بی‌ینال ونیز سازمانی خصوصی است که به صورت هیأت‌امانی اداره می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی‌ای به دولت ندارد و با تغییر دولت‌ها، دچار تغییر رویه و دگرگونی نمی‌شود. عامل دوم را باید در انگیزه یک سازمان خصوصی در ایجاد گردش مالی در اقتصاد هنر و به‌تبع آن در حالی‌که جنگ‌های جهانی اول و دوم بر اروپا مستولی بود و در ایتالیا حکومت فاشیستی موسولینی حکم‌فرمایی می‌کرد، بی‌ینال هنر ونیز در موعد مقرر خود برگزار می‌شد. تاکنون هیچ عامل بیرونی‌ای توانسته برگزاری بی‌ینال ونیز را مختل کند یا آن را به تعویق بیندازد. حضور دو عنصر ضامن امتداد برای‌بی‌ینال ونیز است. نخست آنکه بی‌ینال ونیز سازمانی خصوصی است که به صورت هیأت‌امانی اداره می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی‌ای به دولت ندارد و با تغییر دولت‌ها، دچار تغییر رویه و دگرگونی نمی‌شود. عامل دوم را باید در انگیزه یک سازمان خصوصی در ایجاد گردش مالی در اقتصاد هنر و به‌تبع آن در حالی‌که جنگ‌های جهانی اول و دوم بر اروپا مستولی بود و در ایتالیا حکومت فاشیستی موسولینی حکم‌فرمایی می‌کرد، بی‌ینال هنر ونیز در موعد مقرر خود برگزار می‌شد. تاکنون هیچ عامل بیرونی‌ای توانسته برگزاری بی‌ینال ونیز را مختل کند یا آن را به تعویق بیندازد. حضور دو عنصر ضامن امتداد برای‌بی‌ینال ونیز است. نخست آنکه بی‌ینال ونیز سازمانی خصوصی است که به صورت هیأت‌امانی اداره می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی‌ای به دولت ندارد و با تغییر دولت‌ها، دچار تغییر رویه و دگرگونی نمی‌شود. عامل دوم را باید در انگیزه یک سازمان خصوصی در ایجاد گردش مالی در اقتصاد هنر و به‌تبع آن در حالی‌که جنگ‌های جهانی اول و دوم بر اروپا مستولی بود و در ایتالیا حکومت فاشیستی موسولینی حکم‌فرمایی می‌کرد، بی‌ینال هنر ونیز در موعد مقرر خود برگزار می‌شد. تاکنون هیچ عامل بیرونی‌ای توانسته برگزاری بی‌ینال ونیز را مختل کند یا آن را به تعویق بیندازد. حضور دو عنصر ضامن امتداد برای‌بی‌ینال ونیز است. نخست آنکه بی‌ینال ونیز سازمانی خصوصی است که به صورت هیأت‌امانی اداره می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی‌ای به دولت ندارد و با تغییر دولت‌ها، دچار تغییر رویه و دگرگونی نمی‌شود. عامل دوم را باید در انگیزه یک سازمان خصوصی در ایجاد گردش مالی در اقتصاد هنر و به‌تبع آن در حالی‌که جنگ‌های جهانی اول و دوم بر اروپا مستولی بود و در ایتالیا حکومت فاشیستی موسولینی حکم‌فرمایی می‌کرد، بی‌ینال هنر ونیز در موعد مقرر خود برگزار می‌شد. تاکنون هیچ عامل بیرونی‌ای توانسته برگزاری بی‌ینال ونیز را مختل کند یا آن را به تعویق بیندازد. حضور دو عنصر ضامن امتداد برای‌بی‌ینال ونیز است. نخست آنکه بی‌ینال ونیز سازمانی خصوصی است که به صورت هیأت‌امانی اداره می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی‌ای به دولت ندارد و با تغییر دولت‌ها، دچار تغییر رویه و دگرگونی نمی‌شود. عامل دوم را باید در انگیزه یک سازمان خصوصی در ایجاد گردش مالی در اقتصاد هنر و به‌تبع آن در حالی‌که جنگ‌های جهانی اول و دوم بر اروپا مستولی بود و در ایتالیا حکومت فاشیستی موسولینی حکم‌فرمایی می‌کرد، بی‌ینال هنر ونیز در موعد مقرر خود برگزار می‌شد. تاکنون هیچ عامل بیرونی‌ای توانسته برگزاری بی‌ینال ونیز را مختل کند یا آن را به تعویق بیندازد. حضور دو عنصر ضامن امتداد برای‌بی‌ینال ونیز است. نخست آنکه بی‌ینال ونیز سازمانی خصوصی است که به صورت هیأت‌امانی اداره می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی‌ای به دولت ندارد و با تغییر دولت‌ها، دچار تغییر رویه و دگرگونی نمی‌شود. عامل دوم را باید در انگیزه یک سازمان خصوصی در ایجاد گردش مالی در اقتصاد هنر و به‌تبع آن در حالی‌که جنگ‌های جهانی اول و دوم بر اروپا مستولی بود و در ایتالیا حکومت فاشیستی موسولینی حکم‌فرمایی می‌کرد، بی‌ینال هنر ونیز در موعد مقرر خود برگزار می‌شد. تاکنون هیچ عامل بیرونی‌ای توانسته برگزاری بی‌ینال ونیز را مختل کند یا آن را به تعویق بیندازد. حضور دو عنصر ضامن امتداد برای‌بی‌ینال ونیز است. نخست آنکه بی‌ینال ونیز سازمانی خصوصی است که به صورت هیأت‌امانی اداره می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی‌ای به دولت ندارد و با تغییر دولت‌ها، دچار تغییر رویه و دگرگونی نمی‌شود. عامل دوم را باید در انگیزه یک سازمان خصوصی در ایجاد گردش مالی در اقتصاد هنر و به‌تبع آن در حالی‌که جنگ‌های جهانی اول و دوم بر اروپا مستولی بود و در ایتالیا حکومت فاشیستی موسولینی حکم‌فرمایی می‌کرد، بی‌ینال هنر ونیز در موعد مقرر خود برگزار می‌شد. تاکنون هیچ عامل بیرونی‌ای توانسته برگزاری بی‌ینال ونیز را مختل کند یا آن را به تعویق بیندازد. حضور دو عنصر ضامن امتداد برای‌بی‌ینال ونیز است. نخست آنکه بی‌ینال ونیز سازمانی خصوصی است که به صورت هیأت‌امانی اداره می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی‌ای به دولت ندارد و با تغییر دولت‌ها، دچار تغییر رویه و دگرگونی نمی‌شود. عامل دوم را باید در انگیزه یک سازمان خصوصی در ایجاد گردش مالی در اقتصاد هنر و به‌تبع آن در حالی‌که جنگ‌های جهانی اول و دوم بر اروپا مستولی بود و در ایتالیا حکومت فاشیستی موسولینی حکم‌فرمایی می‌کرد، بی‌ینال هنر ونیز در موعد مقرر خود برگزار می‌شد. تاکنون هیچ عامل بیرونی‌ای توانسته برگزاری بی‌ینال ونیز را مختل کند یا آن را به تعویق بیندازد. حضور دو عنصر ضامن امتداد برای‌بی‌ینال ونیز است. نخست آنکه بی‌ینال ونیز سازمانی خصوصی است که به صورت هیأت‌امانی اداره می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی‌ای به دولت ندارد و با تغییر دولت‌ها، دچار تغییر رویه و دگرگونی نمی‌شود. عامل دوم را باید در انگیزه یک سازمان خصوصی در ایجاد گردش مالی در اقتصاد هنر و به‌تبع آن در حالی‌که جنگ‌های جهانی اول و دوم بر اروپا مستولی بود و در ایتالیا حکومت فاشیستی موسولینی حکم‌فرمایی می‌کرد، بی‌ینال هنر ونیز در موعد مقرر خود برگزار می‌شد. تاکنون هیچ عامل بیرونی‌ای توانسته برگزاری بی‌ینال ونیز را مختل کند یا آن را به تعویق بیندازد. حضور دو عنصر ضامن امتداد برای‌بی‌ینال ونیز است. نخست آنکه بی‌ینال ونیز سازمانی خصوصی است که به صورت هیأت‌امانی اداره می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی‌ای به دولت ندارد و با تغییر دولت‌ها، دچار تغییر رویه و دگرگونی نمی‌شود. عامل دوم را باید در انگیزه یک سازمان خصوصی در ایجاد گردش مالی در اقتصاد هنر و به‌تبع آن در حالی‌که جنگ‌های جهانی اول و دوم بر اروپا مستولی بود و در ایتالیا حکومت فاشیستی موسولینی حکم‌فرمایی می‌کرد، بی‌ینال هنر ونیز در موعد مقرر خود برگزار می‌شد. تاکنون هیچ عامل بیرونی‌ای توانسته برگزاری بی‌ینال ونیز را مختل کند یا آن را به تعویق بیندازد. حضور دو عنصر ضامن امتداد برای‌بی‌ینال ونیز است. نخست آنکه بی‌ینال ونیز سازمانی خصوصی است که به صورت هیأت‌امانی اداره می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی‌ای به دولت ندارد و با تغییر دولت‌ها، دچار تغییر رویه و دگرگونی نمی‌شود. عامل دوم را باید در انگیزه یک سازمان خصوصی در ایجاد گردش مالی در اقتصاد هنر و به‌تبع آن در حالی‌که جنگ‌های جهانی اول و دوم بر اروپا مستولی بود و در ایتالیا حکومت فاشیستی موسولینی حکم‌فرمایی می‌کرد، بی‌ینال هنر ونیز در موعد مقرر خود برگزار می‌شد. تاکنون هیچ عامل بیرونی‌ای توانسته برگزاری بی‌ینال ونیز را مختل کند یا آن را به تعویق بیندازد. حضور دو عنصر ضامن امتداد برای‌بی‌ینال ونیز است. نخست آنکه بی‌ینال ونیز سازمانی خصوصی است که به صورت هیأت‌امانی اداره می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی‌ای به دولت ندارد و با تغییر دولت‌ها، دچار تغییر رویه و دگرگونی نمی‌شود. عامل دوم را باید در انگیزه یک سازمان خصوصی در ایجاد گردش مالی در اقتصاد هنر و به‌تبع آن در حالی‌که جنگ‌های جهانی اول و دوم بر اروپا مستولی بود و در ایتالیا حکومت فاشیستی موسولینی حکم‌فرمایی می‌کرد، بی‌ینال هنر ونیز در موعد مقرر خود برگزار می‌شد. تاکنون هیچ عامل بیرونی‌ای توانسته برگزاری بی‌ینال ونیز را مختل کند یا آن را به تعویق بیندازد. حضور دو عنصر ضامن امتداد برای‌بی‌ینال ونیز است. نخست آنکه بی‌ینال ونیز سازمانی خصوصی است که به صورت هیأت‌امانی اداره می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی‌ای به دولت ندارد و با تغییر دولت‌ها، دچار تغییر رویه و دگرگونی نمی‌شود. عامل دوم را باید در انگیزه یک سازمان خصوصی در ایجاد گردش مالی در اقتصاد هنر و به‌تبع آن در حالی‌که جنگ‌های جهانی اول و دوم بر اروپا مستولی بود و در ایتالیا حکومت فاشیستی موسولینی حکم‌فرمایی می‌کرد، بی‌ینال هنر ونیز در موعد مقرر خود برگزار می‌شد. تاکنون هیچ عامل بیرونی‌ای توانسته برگزاری بی‌ینال ونیز را مختل کند یا آن را به تعویق بیندازد. حضور دو عنصر ضامن امتداد برای‌بی‌ینال ونیز است. نخست آنکه بی‌ینال ونیز سازمانی خصوصی است که به صورت هیأت‌امانی اداره می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی‌ای به دولت ندارد و با تغییر دولت‌ها، دچار تغییر رویه و دگرگونی نمی‌شود. عامل دوم را باید در انگیزه یک سازمان خصوصی در ایجاد گردش مالی در اقتصاد هنر و به‌تبع آن در حالی‌که جنگ‌های جهانی اول و دوم بر اروپا مستولی بود و در ایتالیا حکومت فاشیستی موسولینی حکم‌فرمایی می‌کرد، بی‌ینال هنر ونیز در موعد مقرر خود برگزار می‌شد. تاکنون هیچ عامل بیرونی‌ای توانسته برگزاری بی‌ینال ونیز را مختل کند یا آن را به تعویق بیندازد. حضور دو عنصر ضامن امتداد برای‌بی‌ینال ونیز است. نخست آنکه بی‌ینال ونیز سازمانی خصوصی است که به صورت هیأت‌امانی اداره می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی‌ای به دولت ندارد و با تغییر دولت‌ها، دچار تغییر رویه و دگرگونی نمی‌شود. عامل دوم را باید در انگیزه یک سازمان خصوصی در ایجاد گردش مالی در اقتصاد هنر و به‌تبع آن در حالی‌که جنگ‌های جهانی اول و دوم بر اروپا مستولی بود و در ایتالیا حکومت فاشیستی موسولینی حکم‌فرمایی می‌کرد، بی‌ینال هنر ونیز در موعد مقرر خود برگزار می‌شد. تاکنون هیچ عامل بیرونی‌ای توانسته برگزاری بی‌ینال ونیز را مختل کند یا آن را به تعویق بیندازد. حضور دو عنصر ضامن امتداد برای‌بی‌ینال ونیز است. نخست آنکه بی‌ینال ونیز سازمانی خصوصی است که به صورت هیأت‌امانی اداره می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی‌ای به دولت ندارد و با تغییر دولت‌ها، دچار تغییر رویه و دگرگونی نمی‌شود. عامل دوم را باید در انگیزه یک سازمان خصوصی در ایجاد گردش مالی در اقتصاد هنر و به‌تبع آن در حالی‌که جنگ‌های جهانی اول و دوم بر اروپا مستولی بود و در ایتالیا حکومت فاشیستی موسولینی حکم‌فرمایی می‌کرد، بی‌ینال هنر ونیز در موعد مقرر خود برگزار می‌شد. تاکنون هیچ عامل بیرونی‌ای توانسته برگزاری بی‌ینال ونیز را مختل کند یا آن را به تعویق بیندازد. حضور دو عنصر ضامن امتداد برای‌بی‌ینال ونیز است. نخست آنکه بی‌ینال ونیز سازمانی خصوصی است که به صورت هیأت‌امانی اداره می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی‌ای به دولت ندارد و با تغییر دولت‌ها، دچار تغییر رویه و دگرگونی نمی‌شود. عامل دوم را باید در انگیزه یک سازمان خصوصی در ایجاد گردش مالی در اقتصاد هنر و به‌تبع آن در حالی‌که جنگ‌های جهانی اول و دوم بر اروپا مستولی بود و در ایتالیا حکومت فاشیستی موسولینی حکم‌فرمایی می‌کرد، بی‌ینال هنر ونیز در موعد مقرر خود برگزار می‌شد. تاکنون هیچ عامل بیرونی‌ای توانسته برگزاری بی‌ینال ونیز را مختل کند یا آن را به تعویق بیندازد. حضور دو عنصر ضامن امتداد برای‌بی‌ینال ونیز است. نخست آنکه بی‌ینال ونیز سازمانی خصوصی است که به صورت هیأت‌امانی اداره می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی‌ای به دولت ندارد و با تغییر دولت‌ها، دچار تغییر رویه و دگرگونی نمی‌شود. عامل دوم را باید در انگیزه یک سازمان خصوصی در ایجاد گردش مالی در اقتصاد هنر و به‌تبع آن در حالی‌که جنگ‌های جهانی اول و دوم بر اروپا مستولی بود و در ایتالیا حکومت فاشیستی موسولینی حکم‌فرمایی می‌کرد، بی‌ینال هنر ونیز در موعد مقرر خود برگزار می‌شد. تاکنون هیچ عامل بیرونی‌ای توانسته برگزاری بی‌ینال ونیز را مختل کند یا آن را به تعویق بیندازد. حضور دو عنصر ضامن امتداد برای‌بی‌ینال ونیز است. نخست آنکه بی‌ینال ونیز سازمانی خصوصی است که به صورت هیأت‌امانی اداره می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی‌ای به دولت ندارد و با تغییر دولت‌ها، دچار تغییر رویه و دگرگونی نمی‌شود. عامل دوم را باید در انگیزه یک سازمان خصوصی در ایجاد گردش مالی در اقتصاد هنر و به‌تبع آن در حالی‌که جنگ‌های جهانی اول و دوم بر اروپا مستولی بود و در ایتالیا حکومت فاشیستی موسولینی حکم‌فرمایی می‌کرد، بی‌ینال هنر ونیز در موعد مقرر خود برگزار می‌شد. تاکنون هیچ عامل بیرونی‌ای توانسته برگزاری بی‌ینال ونیز را مختل کند یا آن را به تعویق بیندازد. حضور دو عنصر ضامن امتداد برای‌بی‌ینال ونیز است. نخست آنکه بی‌ینال ونیز سازمانی خصوصی است که به صورت هیأت‌امانی اداره می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی‌ای به دولت ندارد و با تغییر دولت‌ها، دچار تغییر رویه و دگرگونی نمی‌شود. عامل دوم را باید در انگیزه یک سازمان خصوصی در ایجاد گردش مالی در اقتصاد هنر و به‌تبع آن در حالی‌که جنگ‌های جهانی اول و دوم بر اروپا مستولی بود و در ایتالیا حکومت فاشیستی موسولینی حکم‌فرمایی می‌کرد، بی‌ینال هنر ونیز در موعد مقرر خود برگزار می‌شد. تاکنون هیچ عامل بیرونی‌ای توانسته برگزاری بی‌ینال ونیز را مختل کند یا آن را به تعویق بیندازد. حضور دو عنصر ضامن امتداد برای‌بی‌ینال ونیز است. نخست آنکه بی‌ینال ونیز سازمانی خصوصی است که به صورت هیأت‌امانی اداره می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی‌ای به دولت ندارد و با تغییر دولت‌ها، دچار تغییر رویه و دگرگونی نمی‌شود. عامل دوم را باید در انگیزه یک سازمان خصوصی در ایجاد گردش مالی در اقتصاد هنر و به‌تبع آن در حالی‌که جنگ‌های جهانی اول و دوم بر اروپا مستولی بود و در ایتالیا حکومت فاشیستی موسولینی حکم‌فرمایی می‌کرد، بی‌ینال هنر ونیز در موعد مقرر خود برگزار می‌شد. تاکنون هیچ عامل بیرونی‌ای توانسته برگزاری بی‌ینال ونیز را مختل کند یا آن را به تعویق بیندازد. حضور دو عنصر ضامن امتداد برای‌بی‌ینال ونیز است. نخست آنکه بی‌ینال ونیز سازمانی خصوصی است که به صورت هیأت‌امانی اداره می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی‌ای به دولت ندارد و با تغییر دولت‌ها، دچار تغییر رویه و دگرگونی نمی‌شود. عامل دوم را باید در انگیزه یک سازمان خصوصی در ایجاد گردش مالی در اقتصاد هنر و به‌تبع آن در حالی‌که جنگ‌های جهانی اول و دوم بر اروپا مستولی بود و در ایتالیا حکومت فاشیستی موسولینی حکم‌فرمایی می‌کرد، بی‌ینال هنر ونیز در موعد مقرر خود برگزار می‌شد. تاکنون هیچ عامل بیرونی‌ای توانسته برگزاری بی‌ینال ونیز را مختل کند یا آن را به تعویق بیندازد. حضور دو عنصر ضامن امتداد برای‌بی‌ینال ونیز است. نخست آنکه بی‌ینال ونیز سازمانی خصوصی است که به صورت هیأت‌امانی اداره می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی‌ای به دولت ندارد و با تغییر دولت‌ها، دچار تغییر رویه و دگرگونی نمی‌شود. عامل دوم را باید در انگیزه یک سازمان خصوصی در ایجاد گردش مالی در اقتصاد هنر و به‌تبع آن در حالی‌که جنگ‌های جهانی اول و دوم بر اروپا مستولی بود و در ایتالیا حکومت فاشیستی موسولینی حکم‌فرمایی می‌کرد، بی‌ینال هنر ونیز در موعد مقرر خود برگزار می‌شد. تاکنون هیچ عامل بیرونی‌ای توانسته برگزاری بی‌ینال ونیز را مختل کند یا آن را به تعویق بیندازد. حضور دو عنصر ضامن امتداد برای‌بی‌ینال ونیز است. نخست آنکه بی‌ینال ونیز سازمانی خصوصی است که به صورت هیأت‌امانی اداره می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی‌ای به دولت ندارد و با تغییر دولت‌ها، دچار تغییر رویه و دگرگونی نمی‌شود. عامل دوم را باید در انگیزه یک سازمان خصوصی در ایجاد گردش مالی در اقتصاد هنر و به‌تبع آن در حالی‌که جنگ‌های جهانی اول و دوم بر اروپا مستولی بود و در ایتالیا حکومت فاشیستی موسولینی حکم‌فرمایی می‌کرد، بی‌ینال هنر ونیز در موعد مقرر خود برگزار می‌شد. تاکنون هیچ عامل بیرونی‌ای توانسته برگزاری بی‌ینال ونیز را مختل کند یا آن را به تعویق بیندازد. حضور دو عنصر ضامن امتداد برای‌بی‌ینال ونیز است. نخست آنکه بی‌ینال ونیز سازمانی خصوصی است که به صورت هیأت‌امانی اداره می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی‌ای به دولت ندارد و با تغییر دولت‌ها، دچار تغییر رویه و دگرگونی نمی‌شود. عامل دوم را باید در انگیزه یک سازمان خصوصی در ایجاد گردش مالی در اقتصاد هنر و به‌تبع آن در حالی‌که جنگ‌های جهانی اول و دوم بر اروپا مستولی بود و در ایتالیا حکومت فاشیستی موسولینی حکم‌فرمایی می‌کرد، بی‌ینال هنر ونیز در موعد مقرر خود برگزار می‌شد. تاکنون هیچ عامل بیرونی‌ای توانسته برگزاری بی‌ینال ونیز را مختل کند یا آن را به تعویق بیندازد. حضور دو عنصر ضامن امتداد برای‌بی‌ینال ونیز است. نخست آنکه بی‌ینال ونیز سازمانی خصوصی است که به صورت هیأت‌امانی اداره می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی‌ای به دولت ندارد و با تغییر دولت‌ها، دچار تغییر رویه و دگرگونی نمی‌شود. عامل